

هنر سفالگری عصر آهن در گورستان مسجد کبود تبریز^۱

علیرضا هژبری نوبری و مهناز صالحی گروسی

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

درآمد

با اینکه سابقه کاوش‌های علمی باستان‌شناسی در استان آذربایجان شرقی به سال ۱۹۶۸ توسط چارلز برنی برمی‌گردد ولی غیر از همین کاوش علمی نمی‌توان فعالیت دیگری را در این زمینه یادآور شد و با توجه به این امر، بسیاری از دوره‌ها از جمله دوره آهن که یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های موجود در باستان‌شناسی منطقه شمال غرب ایران به‌شمار می‌آید و مسائلی بسیار مهم و اساسی را به همراه دارد، به‌درستی مورد بررسی قرار نگرفته است. در محوطه باستانی مسجد کبود تبریز کاوش‌های باستان‌شناسی از سال ۱۳۷۸ آغاز گشت و شروع این کاوش‌ها باعث روشن شدن گذشته پیش از اسلام این شهر گردید. تا آن زمان متأسفانه به غیر از متون آشوری و ارمنی هیچ‌گونه دلیل باستان‌شناختی در این باره موجود نبود و موجودیت آن را بدون توجه به واقعیت‌های تاریخ، به زمان هارون الرشید نسبت می‌دادند. پنج فصل کاوش در این محوطه باعث کشف تعداد قابل توجهی تدفین مربوط به عصر آهن گردید. با توجه به آیین‌هایی که در جوامع پیش از تاریخ در رابطه با دنیای پس از مرگ موجود بوده، این قبور حاوی ظروف و اشیایی بودند که برای تأمین حیات واپسین به همراه متوفی گذاشته شده بود. با در نظر گرفتن اینکه سفال فراوان‌ترین و متنوع‌ترین مصنوعی است که مطالعه دقیق آن می‌تواند راهگشای مسایل ارتباطی میان فرهنگ‌های مختلف باشد، لذا در این مقاله سعی شده است که با طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های مکشوفه از قبور این محوطه باستانی اولاً خود محوطه معرفی و جایگاه آن در عصر آهن معلوم گشته، ثانیاً ارتباط آن با مکان‌های هم‌عصر روشن گردد.

مقدمه

یکی از رایج‌ترین تقسیمات در شناخت دوره‌های باستان‌شناسی، تقسیم‌بندی زندگی بشر بر مبنای جنبه‌های تکنولوژیکی و جنس

ابزاری است که مورد استفاده قرار داده. به این ترتیب زندگی بشر را در سه دوره سنگ مفرغ و آهن می‌توان تقسیم‌بندی نمود که این سه دوره کلی اگر چه در درون، هر کدام به مراحل مختلف طبقه‌بندی می‌شوند اما هر دوره کالبد اصلی خود را حفظ می‌نماید.

دوره آهن براساس شباهت گونه‌های سفالی به سه دوره عصر آهن I (۱۵۰۰-۱۲۰۰ ق م)، عصر آهن II (۸۰۰-۱۲۰۰ ق م) و عصر آهن III (۵۵۰-۸۰۰ ق م) تقسیم می‌شود و اخیراً لوین عصر آهن IV شامل دوران تاریخی هخامنشی تا اوایل اشکانی را نیز به این تقسیم‌بندی اضافه کرده است (لوین ۱۳۸۱: ۴۸۶). علی‌رغم اینکه واژه عصر آهن را برای معرفی فرهنگی که از اواسط هزاره دوم قبل از میلاد همراه سفال خاکستری در شمال غرب، شمال شرق، فلات مرکزی و غرب ایران ظاهر شده، به کار برده‌اند، ولی آهن فقط در دوره دوم این فرهنگ شناخته شده است. به‌طور کلی می‌توان گفت که عصر آهن یکی از دوره‌های پر تحول در تاریخ و تمدن سرزمین ایران و کشورهای مجاور آن به‌شمار می‌آید. با این حال ابهامات بسیار مهم و اساسی‌ای را به همراه دارد. به‌گونه‌ای که بسیاری از محققان عبارت «عصر تاریک» را برای این دوره به کار می‌برند و علی‌رغم کشفیات ارزشمندی که در محوطه‌هایی چون حسنلو (حاکمی و راد ۱۳۲۹)، هفتوان تپه (Burney 1970)، دینخواه تپه (Muscarella 1974)، قیطره (کامبخش فرد ۱۳۷۰)، خوروین (VandenBerghe 1964)، مارلیک (Negahban 1996)، سیلک (Ghrishman 1938) و نظایر آنها صورت گرفته و نیز تحولات گسترده‌ای که در زمینه سنت سفالگری، تدفین، معماری، مهاجرت‌های قومی و پیشرفت تکنولوژیکی به‌وقوع پیوسته، متأسفانه تصویری ناقص و غیر شفاف در ذهن محققان نقش بسته است. از دلایل چنین وضعیتی فقدان

مدارک مکتوب، عدم گونه‌شناسی دقیق مواد فرهنگی این دوره و ناکافی بودن کاوشها و بررسیهای علمی در این زمینه است.

یکی از محوطه‌های مربوط به فرهنگ عصر آهن که در سال ۱۳۷۶ به‌صورت اتفاقی و در پی فعالیتهای ساختمان‌سازی کشف شد، محوطه باستانی مسجد کبود است. این محوطه در شمال خیابان امام خمینی و در شمال شرق بنای مسجد کبود زیر چندین متر رسوبات قرار گرفته است (نقشه ۱). تا قبل از کشف این محوطه از گذشته پیش از تاریخی و ماقبل اسلام این شهر (تبریز) که از دیرباز به‌علت موقعیت جغرافیایی خاص و نظامی ممتاز مورد توجه کشورگشایان و تجار مختلف بوده، به‌غیر از متون آشوری (Thureau-Dangin 1973) و ارمنی (پاسدراجیان ۱۳۷۷) هیچ‌گونه مدارک باستان‌شناختی در دست نبود. کاوشهای علمی باستان‌شناسی که در این محوطه از سال ۱۳۷۸ توسط نصرت‌الله معتمدی از سازمان میراث فرهنگی آغاز و در بین سالهای ۸۲-۱۳۷۹ به سرپرستی یکی از نگارندگان (علیرضا هژبری نوبری) ادامه یافت، حقیقت وجود فرهنگ بس دیرینه این شهر را آشکار نمود.

به لحاظ لایه‌نگاری در تمامی قسمتهای کاوش‌شده پس از برداشت لایه سطحی، بلافاصله سفالهای مربوط به دوره‌های قاجار، صفوی، تیموری، ایلخانی و سلجوقی به‌صورت بسیار مضطرب به‌دست آمده است. علت چنین اضطرابی را که سبب عدم تشخیص قطعی لایه‌های دوره اسلامی شده، می‌توان در وقوع زلزله‌های متعدد و حفر چاههای فاضلابی دانست که متناسب با تراکم منازل مسکونی در مرکز شهر قرار دارند.

پس از اتمام لایه‌های اسلامی با یک وقفه لایه‌های فرهنگی به عمق حدوداً ۱ متر روبرو هستیم. پس از برداشت این لایه طبیعی متشکل از ماسه و سنگهای رودخانه‌ای، آثار چندین لایه استقراری موقت با قطعه سفالهای خاکستری، نخودی و قرمز رنگ به چشم می‌خورد که آثار مربوط به قبرستان عصر آهن مستقیماً در زیر این لایه‌ها قرار دارند (نوبری ۱۳۸۳ و ۱۳۷۹: ۹۰-۸۷ و ۳).

در کل تعداد ۱۰۸ گور تاکنون در این محوطه شناسایی شده که از نظر سازه و معماری به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱- قبور ساده چاله‌ای شکل که قابل مقایسه با اکثر محوطه‌های عصر آهن هستند؛

۲- قبور چاله‌ای شکل که بر روی آنها توده‌ای سنگی به‌طور غیر منظم و یا در بعضی موارد دایره‌ای شکل قرار گرفته است که این نوع قبور قابل مقایسه با قبور لمه‌زمین هستند (Fukai & Matsutani 1982: 44 & Pls.9, 12);

۳- قبوری با سازه‌ای نعل اسبی شکل سنگی، خشتی و یا چینه‌ای که با قبور دینخواه III و II قابل مقایسه هستند (Ibid: 37, 58; Muscarella,

حالت کلی تمامی تدفینها به‌صورت چمباتمه‌ای است که یادآور

حالت جنینی انسان در داخل رحم مادر است و به‌طور نمادین دنیای تولد و مرگ، دو عنصر مهم در حیات انسان را بیان می‌کند. جهت تدفینها عموماً شرقی-غربی است که این پدیده به‌علت ملموس بودن جهت جغرافیایی، به‌ویژه طلوع و غروب خورشید که جهت شرق و غرب را مشخص می‌سازد همواره مورد توجه جوامع پیش از تاریخ بوده است.

یکی از مهمترین باورهای دینی جوامع پیش از تاریخ، اعتقاد به دنیای پس از مرگ است؛ به همین منظور برای تأمین حیات واپسین، غذا و مایحتاج مورد نیاز زندگی روزمره فرد را با تشریفات خاص با خود او دفن می‌کرده‌اند (طلایی ۱۳۸۱: ۱۷۷). از این نظر طیف گسترده‌ای از اشیاء و مواد مختلف با تعداد متغیر (بین ۳ تا ۱۹ شیء) از قبور این محوطه به‌دست آمده‌اند که این امر خود می‌تواند بیانگر این نکته مهم باشد که علاوه بر سنتهای رایج تدفین، سن، جنس، موقعیت و پایگاه اجتماعی افراد نیز در کم و کیف تدفین تأثیرگذار بوده‌اند.

طبقه‌بندی و گونه‌شناسی ظروف سفالین

الف- رنگ پوشش ظروف

در طی پنج فصل کاوش در گورستان عصر آهن محوطه باستانی مسجد کبود، تعداد ۵۱۱ قطعه ظرف سفالین دست‌ساز با شاموت کانی به‌دست آمد که به لحاظ رنگ پوشش در سه گروه زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- سفالهای خاکستری-سیاه ۹۱/۵٪

۲- سفالهای نخودی ۵٪

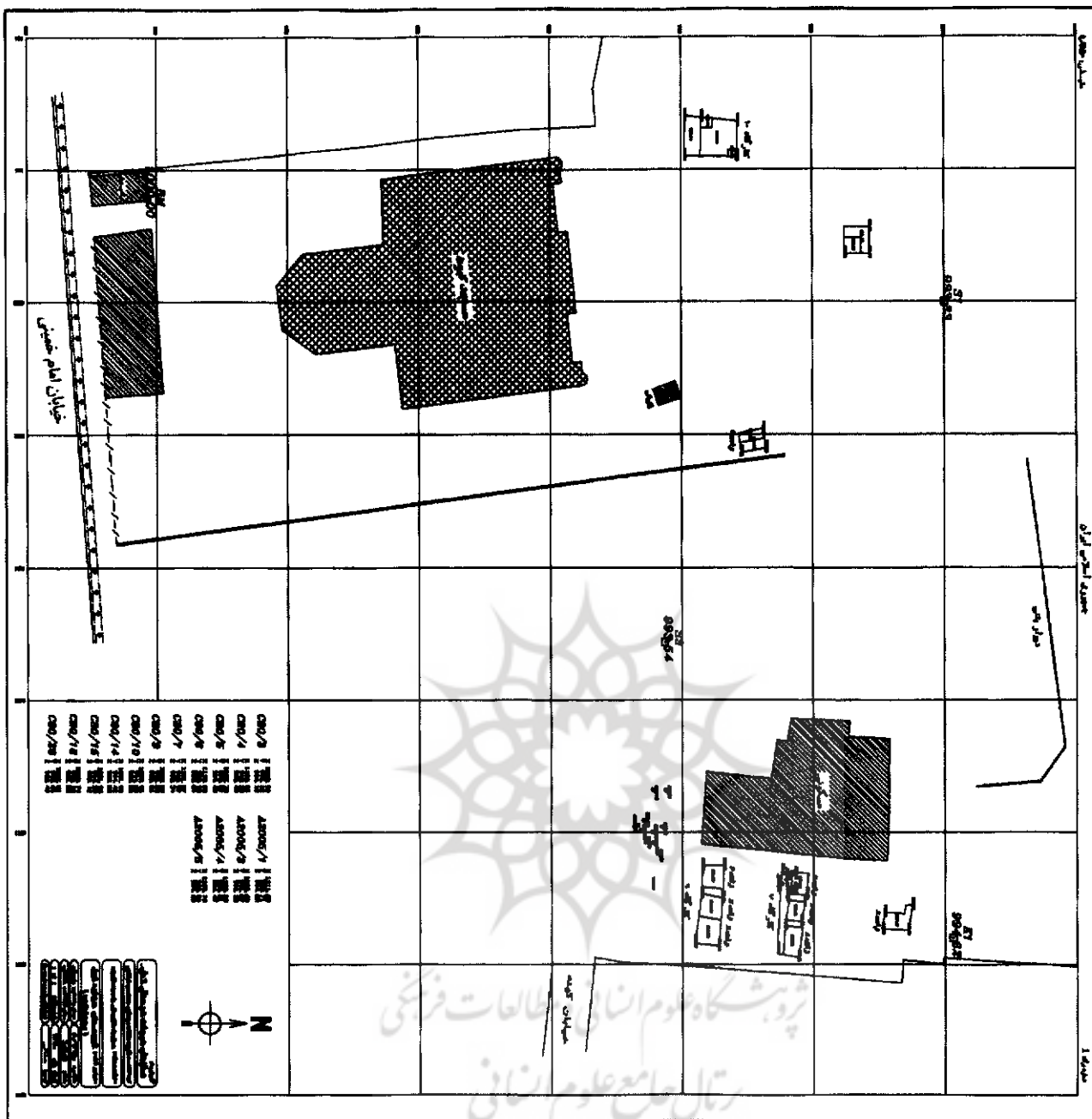
۳- سفالهای قرمز ۲۲/۵٪

ب- فرم ظروف

از نظر شکل، این ظروف در ۱۱ فرم قابل طبقه‌بندی هستند:

۱- کاسه‌ها (لوح ۱، تصاویر ۸-۱): از رایج‌ترین شکل ظروف مسجد کبود کاسه‌ها هستند که از نظر آماری ۴۰/۴۵٪ کل این مجموعه را تشکیل می‌دهند و به‌لحاظ فرم به دو گروه تقسیم می‌شوند:

دسته اول شامل کاسه با لبه ساده و بدنه‌ای به شکل محدب و یا کشیده است. این ظروف غالباً ساده و فاقد هر نوع تزیین هستند (لوح ۱، تص ۱۰۲) ولی بعضاً در زیر لبه آنها دو سوراخ کوچک به تنهایی و یا به همراه یک برجستگی هلالی شکل ایجاد شده است و چون این سوراخها به همراه نوار برجسته هلالی، شکل یک کرم را تداعی می‌کنند، این گونه ظروف را کرمی شکل (Worm bowls) نیز نامیده‌اند (Muscarella, Ibid: 37-38) (لوح ۱، تصاویر ۳ و ۴). این ظروف یکی از رایج‌ترین فرمهای عصر آهن I محسوب می‌شوند که برخلاف محوطه مسجد کبود در اکثر محوطه‌های شمال غرب، غرب و فلات مرکزی ایران از جمله کردلرته (Lippert 1979, 119; Fig: 5-10)،



شکل ۱. نقشه محوطه باستانی مسجد کبود

از جمله حسنلوی IV (Young 1965: 63, 65; Fig: 2,4,8) گوی تپه A دینخواه II (Burton -Brown, Ibid: 157; Fig: 36/643) و هفتون IV (Muscarella, Ibid: 76; Fig:50) و کردلر تپه (Burney, Ibid: 171; Fig: 8/5) و کاردلر تپه (Lippert, Ibid: 127, 133; Fig: 13/3,6) اما نکته دارای اهمیت این است که در طول این دو دوره (آهن I، II) هیچ نمونه از این نوع ظروف در فلات مرکزی و شمال شرق ایران گزارش نشده است و احتمالاً این فرم کاسه در این مقطع زمانی تنها به

گوی تپه دوره B (Burton-Brown 1951: 14; PL.XII:22) دینخواه III (Muscarella, Ibid: 44, 45, 47; Fig: 12, 13, 17) و هفتون V (Burney 1970: 165) به فراوانی مشاهده می شوند. دومین گروه کاسه ها، که از نظر تعداد درصد بیشتری را به خود اختصاص می دهند، کاسه هایی هستند با لبه مقعر و بدنه زاویه دار که در بعضی موارد بر روی لبه مقعر این ظروف، شیارهایی (۱ تا ۳ شیار) دیده می شود (لوح ۱، تص ۸-۵). این فرم کاسه به طور محدود در عصر آهن I و به وفور در محوطه های عصر آهن II غرب و شمال غرب

شمال غرب، غرب و مناطق غربی خارج از ایران اختصاص داشته است. این ظروف همچنان تا پایان عصر آهن III استمرار می‌یابند و در نمونه‌های عصر آهن III (حسنلو و زیویه) با لبه‌های اندکی بلندتر مشاهده می‌شوند (پورفرج ۱۳۸۰: ۳۲۹).

در اکثر کاسه‌های مکشوفه از محوطه باستانی مسجد کبود یک دسته دماغی کوچک با سوراخی در آن که بیشتر به سر یک پرنده شباهت دارد، به چشم می‌خورد. وجود دسته دماغی بر روی سفالهای شمال غرب ریشه در فرهنگ ماورای قفقاز قدیم III دارد که نمونه کوچک شده دسته نخجوان در اواخر این دوره است. دسته‌های نخجوان در اواخر عصر برنز قدیم بسیار کوچکتر شده و تقریباً در بعضی از نمونه‌ها فاقد سوراخ‌اند که با نمونه‌های عصر آهن مطابقت دارند (پورفرج، همان). این دسته‌ها بعدها در اکثر محوطه‌های عصر آهن II مانند دینخواه (Muscarella, Ibid: Fig.: 43) و حسنلو (حاکمی و راد ۱۳۲۹: ۴۴ و ۴۵) به صورت سر یک حیوان شاخ‌دار درآمد است. در مسجد کبود نیز تنها یک نمونه از این نوع دسته بر روی آبریزی قرمز رنگ با لوله ناپیوسته به دست آمده است (لوح ۲، تصویر ۳).

حسنلو IV (Young, Ibid: 63; 65, Fig: 2,8)، دینخواه II (16) هفتوان (Muscarella, Ibid: 45-47; Fig: 12, 13)، خورویین (Burney, IV Ibid; Fig: 8/2) و قابل (Vanden Berghe 1964: 53; Pl: IV; Fig: 15, 17) مقایسه‌اند و نوع دوم این آبریز (با لوله ناپیوسته) شباهت بسیار نزدیکی به نمونه‌های گوی‌تپه دوره B (Ibid: 138; fig. 32-37) و دینخواه III (Burton-Brown, Ibid: 66, 76; Fig: 37, 50) هفتوان V (Burney, Ibid, Fig: 1) کردلر تپه (Lippert, Ibid: 118, 119; Fig: 5/2, 7) خورویین (Muscarella, Ibid: 16, 18) و جمشیدآباد (VandenBerghe, Ibid: 52; Pl: IV; Fig: 1) فلاحیان ۱۳۸۰: ۹۴ و ۹۷) دارد.

با اینکه ظروف با لوله ناپیوسته یکی از فرمهای شاخص عصر آهن I است و در طول این دوره در قسمتهای وسیعی از جمله فلات مرکزی، غرب و شمال غرب ایران رواج داشته، ولی به دست آمدن این ظروف در کنار ظروف با لوله پیوسته (کارگاه ۳، تراشه f، گور ۷۹/۲۲) گویای استمرار این نوع ظروف در یک مقطع زمانی از دوره دوم عصر آهن است (لوح ۲، تصویر ۳).

۲- ظروف لوله‌دار (آبریزها) (لوح ۲، تصاویر ۱-۶): ظروف لوله‌دار که از نظر سبک بسیار موزون و متناسب ساخته شده‌اند یکی از زیباترین شکل‌های ظروف دوران پیش از تاریخ ایران و به ویژه عصر آهن محسوب می‌شوند. هرچند که کاربرد دقیق این نوع ظروف به درستی مشخص نشده، ولی با توجه به وجود لوله و شکل آنها، می‌توان آنها را در زمره ظروفی دانست که برای حفظ و نگهداری مایعات استفاده می‌شده‌اند. وجود لوله در این ظروف، یکی از ویژگی‌های عمده‌ای است که آنها را از دیگر ظروف سفالین پیش از تاریخ متمایز می‌سازد. بر این اساس ظروف لوله‌دار عصر آهن در دو گروه ذیل قابل مطالعه‌اند: ۱- ظروف لوله‌دار ناپیوسته (Spouts Unbridged Pouring) که متشکل از ساقه و آبریز هستند؛ ۲- ظروف لوله‌دار پیوسته (Bridged Pouring Spouts) که متشکل از ساقه، آبریز و پل هستند. این طبقه‌بندی در مورد ظروف لوله‌دار مسجد کبود که ۱۴/۶۷٪ سفالهای این محوطه را تشکیل می‌دهند نیز صدق می‌کند. هر چند که در هر دو، از تزئیناتی به صورت نقوش کنده و افزوده استفاده شده است (لوح ۲، تصویر ۱-۶)؛ اما در هر یک از آنها جزئیاتی به لحاظ فرم بدنه، لبه و... به کار رفته که خود می‌تواند بیانگر ذوق و سلیقه هنرمندان سفالگر باشد. این جزئیات شامل ساخت آبریزهایی به اشکال مختلف از جمله آبریزهایی با گردنی بلند یا کوتاه، بدنه‌های کروی یا شلجمی شکل، لوله با پایه برآمده یا ساده و انواع دسته‌های افزوده ساده و یا به شکل سر حیوان شاخ‌دار است (هزبری نوبری ۱۳۸۲، ۱۳۸۱، ۱۳۸۰، ۱۳۷۹).

۳- پارچها (لوح ۳، تصاویر ۱-۳): به طور کلی پارچها ظروفی هستند با بدنه کروی و لبه‌ای گرد که معمولاً ارتفاع آنها دو تا چهار برابر قطر دهانه است. یکی از رایج‌ترین فرمهای سفالی در عصر آهن II شمال غرب ایران، ظروف پارچی شکل با یک دسته حلقوی می‌باشند. این ظروف که ۱۴/۴۸٪ کل سفالهای این محوطه را تشکیل می‌دهند به لحاظ فرم به دو گروه پارچ‌ها با لبه ساده و یا مقعر تقسیم می‌شوند (لوح ۳، تصویر ۱-۳). فرم بدنه این ظروف غالباً کروی و به ندرت شلجمی شکل است. در هر دو گروه، دسته‌های حلقوی بزرگی بعضاً با یک زائده فوقانی (دکمه‌ای یا نیشگون) مشاهده می‌شود که بالاتر از دهانه ظرف قرار می‌گیرد (لوح ۳، تصویر ۳ و ۲).

این نوع ظروف مسجد کبود قابل مقایسه با نمونه‌های به دست آمده از محوطه‌های دیگری چون هفتوان IV (Burney 1972: 136)، گوی‌تپه دوره A (Burton-Brown, Ibid: 158; Fig: 37/26)، کردلر تپه (Lippert, Ibid: 119; Fig: 5/9) و دینخواه II (Muscarella, Ibid: 76; Fig: 50) است.

۴- فنجانها (لوح ۳، تصاویر ۵ و ۴): فنجانهای دست‌دار یکی از شاخصه‌های عصر آهن I است که در دوره دوم این عصر (آهن II) کمتر رواج داشته‌اند. این ظروف نیز ۱۷/۶٪ سفالهای این مجموعه را تشکیل می‌دهند (لوح ۳، تصویر ۵ و ۴) و قابل مقایسه با نمونه‌های به دست آمده از گوی‌تپه دوره B (Burton-Brown, Ibid: 143; Fig: 33/1004) خورویین (VandenBerghe, Ibid: 55; Fig: 59-62) و قیطره (کامبخش فرد همان: ۹۱) است.

۵- بشقابها (لوح ۳، تصاویر ۶ و ۷): بشقابها که ۱۱/۷۶٪ کل این مجموعه را تشکیل می‌دهند، ظروفی غالباً ساده و بدون نقش هستند (فقط در یک نمونه از این ظروف از تزیینات کنده به شکل نقش گل هشت پر و نقوش دندان مضرس استفاده شده است) و به دو گروه بشقابهای پایه‌دار و بدون پایه و فرم بدنه‌ای به شکل محدب و یا زاویه‌دار تقسیم می‌شوند. در این ظروف نیز از دسته‌های کوچک دماغی استفاده شده است. فرم بشقابهای پایه‌دار (لوح ۳، تصویر ۶ و ۷) این محوطه قابل مقایسه با نمونه‌های قیطره (کامبخش‌فرد ۱۳۷۰: ۴۵)، کردلرته (Lippert, Ibid, 119; Fig: 5/9) خورویین (VandenBerghe, Ibid: 62; Fig:181-184) و جمشیدآباد (فلاحیان ۱۳۸۰: ۹۲ و ۹۷) است.

۶- سبوها: سبوه عبارت است از ظرفی شکم‌دار و فاقد آبریز که در آنها ارتفاع معمولاً ۵ تا ۱۰ برابر قطر دهانه است. این گروه که از نظر آماری ۸/۶۱٪ سفالهای این مجموعه را شامل می‌شوند، غالباً ظروفی هستند با لبه مقعر، گردنی نسبتاً بلند و بدنه‌ای کروی شکل که با تزیینات نیشگونی، خیاره‌ای و نقوش هندسی تزیین شده‌اند (لوح ۴، تصویر ۴-۱). این فرم ظروف از محوطه‌های دیگری از جمله دینخواه تپه II و III (Muscarella, Ibid: 46, 76; Fig:13, 50)، حسنلو V (Young, Ibid: 67; Fig: 3) و کردلرته (134; Fig: 13/8) (Lippert, Ibid) به‌دست آمده‌اند.

۷- ظروف پایه‌دار (میوه‌خوریها): ۰/۳۶٪ کل سفالهای این مجموعه را، ظروف پایه‌دار تشکیل می‌دهند. این ظروف ساده تزیینی با پایه‌های شیپوری شکل، از لحاظ فرم لبه و بدنه به دو شکل میوه‌خوری پایه‌دار با بدنه کشیده و لبه ساده (لوح ۴، تصویر ۵) و میوه‌خوری پایه‌دار با بدنه زاویه‌دار و لبه مقعر (لوح ۴، تصویر ۶) هستند. این فرم ظروف مسجد کبود قابل مقایسه با ظروف پایه‌دار حسنلو IV (65; Fig: 5) (Young, Ibid); کردلرته IV (Lippert, Ibid, 119, Fig:5/3,8) خورویین، جمشیدآباد (فلاحیان ۱۳۸۰: ۹۴)، قیطره (کامبخش‌فرد ۱۳۷۰: ۵۰) و دینخواه II (Muscarella, Ibid, P: 79) هستند.

۸- تنگها: تنگها از نظر آماری ۵/۸۷٪ سفالهای این محوطه را شامل می‌شوند. این ظروف سفالین غالباً با بدنه کروی شکل (لوح ۵، تصویر ۳-۱) و به‌ندرت شلجمی شکل ساخته شده‌اند که به گردهای کوتاه یا کشیده و لبه‌های مقعر منتهی می‌شوند و ارتفاع بعضی از آنها به حدود ۲۶ سانتیمتر نیز می‌رسد. تزیینات این ظروف بسیار ساده و بیشتر به‌صورت خطوط برجسته افقی است که از نظر شکل و تزیین قابل مقایسه با تنگهای قیطره (کامبخش‌فرد، همان: ۴۸)، جمشیدآباد (فلاحیان، همان: ۹۳)، خورویین (Vanden Berghe, Ibid: 62) و مارلیک (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۰: ۲۵۳) هستند.

۹- کوزه‌ها: این ظروف با بدنه کروی و گردن‌های کوتاه یا کشیده ۴۵/۸۹٪ سفالهای این مجموعه را شامل می‌شوند (لوح ۵، تصویر ۶-۴). تعدادی از این سفالها تزیینات بسیار ساده‌ای به‌صورت نوارهای برجسته افقی، تزیینات دکمه‌ای و یا نیشگونی دارند. این نوع ظروف مسجد کبود قابل مقایسه با نمونه‌های به‌دست آمده از دینخواه II (Muscarella, Ibid: 76) و هفتوان IV (Burney 1970: 1) هستند.

۱۰- دیگچه‌ها: این ظروف آشپزخانه‌ای دسته‌دار ۰/۷۸٪ کل سفالهای این مجموعه را تشکیل می‌دهند. سفالگران معمولاً این ظروف را با بدنه کروی، دهانه گشاد و لبه کاملاً به‌خارج بر گشته ساخته‌اند (لوح ۵، تصویر ۹-۷) این ظروف که کاملاً ساده و غیر منقوش‌اند قابل مقایسه با سفالهای به‌دست آمده از مارلیک (کامبخش‌فرد، همانجا) هستند.

۱۱- ظرف با اشکال خاص: این نوع ظروف که ۰/۷۸٪ سفالهای این مجموعه را تشکیل می‌دهند، ظروفی هستند که مشابه آنها (از نظر فرم و یا تزیین) در سایر محوطه‌های هم‌زمان به‌دست نیامده است. نمونه اول، ظرفی است نخودی به ابعاد (قطر دهانه: ۱۰ سانتیمتر، ارتفاع ۱۸ سانتیمتر و قطر کف ۱/۶ سانتیمتر) با دهانه و بدنه‌ای چهارضلعی. تزیینات این ظرف از نوع ترکیبی و شامل خطوط کنده جناعی -تداعی‌کننده نقش مسبک درختان کاج- در چهار طرف ظرف، تزیینات خیاره‌ای شکل در محل زوایا و تزیینات فتیله‌ای کوتاه در اطراف لبه وجود دارد. در اطراف لبه این سبوه چهار سوراخ کوچک ایجاد شده که با عبور دادن ریسمانی از آنها حمل و نقل این ظرف آسانتر می‌شده است (لوح ۶، تصویر ۱). این ظرف به همراه چند ظرف سفالی دیگر از گور ۷۹/۷- که به یک زن میانسال تعلق دارد- به‌دست آمده است.

دومین نمونه، ظرفی به ابعاد (قطر دهانه ۱۲/۵ سانتیمتر، ارتفاع ۱۸ سانتیمتر و قطر کف ۱/۲ سانتیمتر)، با دهانه حلقوی و بدنه کروی است. رنگ پوشش این ظرف خاکستری و با شاموت کانی و پخت کافی است. دهانه این ظرف با زوائد مثلی شکل در چهار طرف به تزیینات خیاره‌ای شکلی منتهی می‌شود. از تزیینات فتیله‌ای کوتاه در اطراف لبه این ظرف نیز استفاده شده است (لوح ۶، تصویر ۲). این ظرف از گور ۷۹/۱ به‌دست آمده است.

سومین نمونه، ظرفی است خاکستری‌رنگ به ابعاد (قطر دهانه ۱۰ سانتیمتر، ارتفاع ۲۰/۵ سانتیمتر و قطر کف ۰/۹ سانتیمتر) با دهانه‌ای حلقوی (با دو زائده افقی سوراخدار) و بدنه کروی که در گور ۸۲/۲۴ به‌دست آمده است. بر روی بدنه این ظرف از تزیینات زیبایی همچون نوارهایی پهن با نقوش مثلی شکل ساده و هاشورزده، زواید افزوده مستطیل شکل متقارن با سوراخهایی بر روی آنها و همچنین نوارهای باریک از نقوش کنده دایره‌ای شکل در زیر لبه، مشاهده

می‌شود (هژبری نویری ۱۳۷۹: ۱۸ و ۵۸ و ۱۳۸۲: ۱۲۹ و ۱۳۳) (لوح ۶، تصویر ۴).

نمونه چهارم، ظرف بزرگ در داری است با بدنه کرومی، دهانه حلقوی (با دو زائده افقی سوراخدار) در ابعاد (قطر دهانه ۵ سانتیمتر، ارتفاع ۲۱ سانتیمتر)؛ تزیینات این ظرف خاکستری رنگ شامل نقوش کنده هندسی بر روی در بیضی شکل آن و همچنین تزیینات افزوده بر روی بدنه این سفال به شکل چهار زائده عمودی بلند سوراخدار به همراه تزیینات فتیله‌ای کوتاه (در بین هر چهار زائده کوتاه یک زائده بلند) است (لوح ۶، تصویر ۳). این ظرف از گور ۸۲/۱۲ به همراه چند ظرف سفالی دیگر به دست آمده است.

ج- گونه‌شناسی تزیینات ظروف

هرچند سفالینه‌هایی که دارای تزیین هستند، از نظر آماری تنها ۹/۱۹٪ سفالهای این محوطه را به خود اختصاص می‌دهند، با وجود این می‌توان آنها را به لحاظ نوع تزیین در ۵ گروه سفال با تزیینات کنده (لوح ۱، تصویر ۸)، افزوده (لوح ۱، تصویر ۳)، داغدار (لوح ۲، تصویر ۶)، برجسته (لوح ۵، تصویر ۱) ترکیبی (لوح ۶، تص ۴-۱)، و از نظر نوع نقش در دو گروه اشکال هندسی و ترکیبی طبقه‌بندی نمود.

۱- نقوش هندسی: در این گروه عموماً عناصر هندسی تزیینی چون خطوط افقی موازی، خطوط نردبانی، خطوط شانهای، نقوش هلالی (ناخنی)، جناغی و تزیینات مثلثی شکل به چشم می‌خورد. ولی با این حال از تزیینات فتیله‌ای، ابرویی (کرمی شکل) و خیاره‌ای شکل نیز به فراوانی استفاده شده است.

۲- نقوش ترکیبی: عناصر تزیینی این گروه شامل نقوش هندسی چون خطوط افقی موازی، جناغی و مضرس و نقوش گیاهی مانند گلبرگهای متداخل، گل هشت‌پر و نقوش حیوانی است.

از این گونه‌شناسی چنین مشخص می‌گردد که ویژگیهای عصر آهن II در محوطه مسجد کبود بسیار بارز بوده و بیشتر فرمهای سفالین از جمله کاسه‌های با لبه مقعر، آبریزهای با لوله پیوسته، میوه‌خوریهای پایه‌دار، ظروف با دسته دماغی شکل و ظروف با دسته‌ای به شکل سر قوچ این محوطه با محوطه‌های عصر آهن II شمال غرب ایران قابل مقایسه هستند. هرچند که در کنار این سفالها،

به سفالهای مشخصه عصر آهن I از جمله آبریزها با لوله ناپیوسته و کاسه‌های کرمی شکل نیز که به‌طور موردی مشاهده می‌شوند، می‌توان اشاره نمود (هژبری نویری، ۱۳۸۳).

نتیجه گیری

پایه تمدنهای امروزی، بر اساس فرهنگها، آداب و رسوم، مذاهب و علوم تمدنهای گذشته بنا شده است و پر واضح است که آثار به‌جای مانده از گذشتگان، شناخت ما را در مورد نحوه زندگی آنان شکل می‌دهد. آثار سفالی به‌عنوان نمونه‌های عینی می‌توانند ما را با کمترین خطای ممکن به شناخت بسیار وسیعی در پیرامون زندگی و تمدن دوره‌های مختلف اقوام رهنمون باشند. همانطور که قبلاً نیز گفته شد شباهتهای بسیار زیادی بین داده‌های فرهنگی مسجد کبود، اعم از سفال، طرز تدفین و نوع قبور با سایر محوطه‌های عصر آهن وجود دارد.

به‌لحاظ گاهنگاری، به‌دلیل قرار گرفتن تعداد زیادی از قبور در لایه‌های مختلف که بیانگر طولانی بودن مدت استفاده از این محوطه بوده و نیز با توجه به اشیای مکشوفه به همراه تدفینها، که در بعضی از قبور تلفیقی از آثار فرهنگی عصر آهن I و II را شامل می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که در این گورستان تلاوم فرهنگی بین دو دوره وجود داشته و محدوده زمانی آن به اوایل عصر آهن II برمی‌گردد و این محوطه قبل از اینکه گونه‌های شاخص و سفال نخودی عصر آهن III رواج یابد، متروک گشته است. پس با در نظر گرفتن نمونه‌های کربن ۱۴ محوطه‌هایی چون حسنلو (Dyson and Muscarella 1989) و دینخواه‌تپه و همچنین با استفاده از مقایسه و گاهنگاری نسبی داده‌های مسجد کبود با داده‌های سایر محوطه‌های همزمان، این محوطه را می‌توان بین ۸۰۰-۱۲۰۰ ق م یعنی در افق فرهنگ سفال خاکستری غربی جدید پیشنهادی یانگ (Young 1985) تاریخگذاری نمود.

پی‌نوشت

۱. این نوشتار برگرفته از نتایج کاوشهای باستان‌شناسی محوطه باستانی مسجد کبود تبریز است. ضروری است تا از مساعدتها و حمایت‌های مسؤولان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قدردانی گردد.

کتابنامه

طلایی، حسن ۱۳۸۱ «شیوه‌ها و سنتهای تدفین در عصر آهن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۳-۱۶۲، دوره ۵۱-۵۰، صص ۱۹۲-۱۷۳.
کامبخش فرد، سیف‌اله ۱۳۷۰ تهران سه هزار و دویست ساله تهران: نشر فضا.
معتمدی، نصرت‌اله ۱۳۷۸ گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در محوطه باستانی مسجد کبود تبریز، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور.
لوین، لوتیس ۱۳۸۱ «عصر آهن»، باستان‌شناسی غرب ایران، فرانک هول (گردآورنده)، ترجمه زهرا باستانی، تهران: سمت.

الف) فارسی
پاسدرم‌ماجیان، هراند ۱۳۷۷ تاریخ ارمنستان، ترجمه محمد قاضی، تهران: زرین.
پورفرج، اکبر ۱۳۸۰ سیر تحول سفال خاکستری در شمال غرب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
حاکمی، علی و راد، محمود ۱۳۲۹ «شرح و نتیجه کاوشهای علمی حسنلو»، گزارشهای باستان‌شناسی، جلد اول.
طلایی، حسن ۱۳۷۴ «پیشینه ظروف سفالین لوله‌دار و مهاجرت آریائیها»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ شماره هفدهم، ص ۶۵-۹.

هژبری نوبری، علیرضا ۱۳۷۹ گزارشهای مقدماتی دومین... و پنجمین فصل کاوش در محوطه باستانی مسجد کبود تبریز [۱۳۷۹-۱۳۸۲]، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی کشور.

هژبری نوبری، علیرضا ۱۳۸۳ «همگونی یافته‌های مسجد کبود تبریز با سایر مراکز دوره آهن در ایران»، ارایه شده در: همایش بین المللی باستان شناسی ایران، حوزه شمال غرب ارومیه. هول، فرانک ۱۳۸۱ باستان شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت

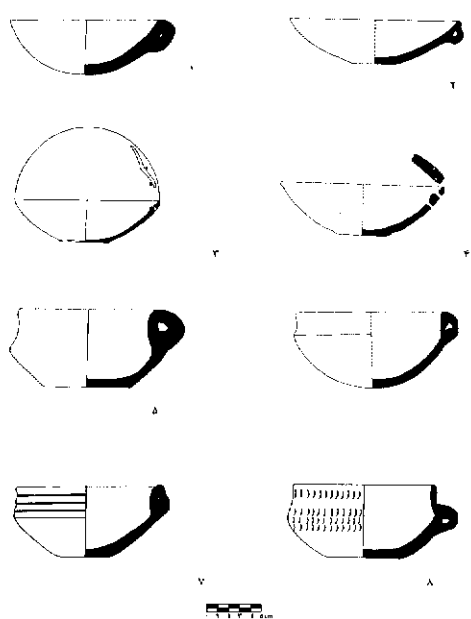
ب) غیرفارسی

- Burney, C.,
1970 "Excavation at Haftavan Tepe, 1968: First Preliminary Report", *Iran*, Vol. VIII, pp. 157-171.
- Burney, C.,
1972 "Excavation at Haftavan Tepe, 1969: Second Preliminary Report", *Iran*, Vol. X, pp. 127-148.
- Burton-Brown, T.,
1951 *Excavation in Azarbaijan*, 1948, London.
- Dyson, R.H. & Muscarella, O.W.,
1989 Constructing the Chronology and Historical Implications of Hasanlu IV", *Iran*, Vol. XXVII, pp. 1-27.
- Fukai, S. and Matsutani T.,
1982 *Halimehjan II, The excavation at Lameh Zamin*, 1978, Tokyo.
- Ghrishman, R.,
1938 *Fouille de Siak pres de Kashan*, Vol. I, Paris. Huot, J.L., Calvet, Y., Yon, M. (ed), 1985 *De l'Indus Aux Balkans*, Paris.
- Lippert, A.,
1979 "Die osterreichischen Ausgrabungen am Kordlar-Tepe in Persich-West Aserbaidshchan (1971-1978)", *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran*, Band 12, pp. 103-154.

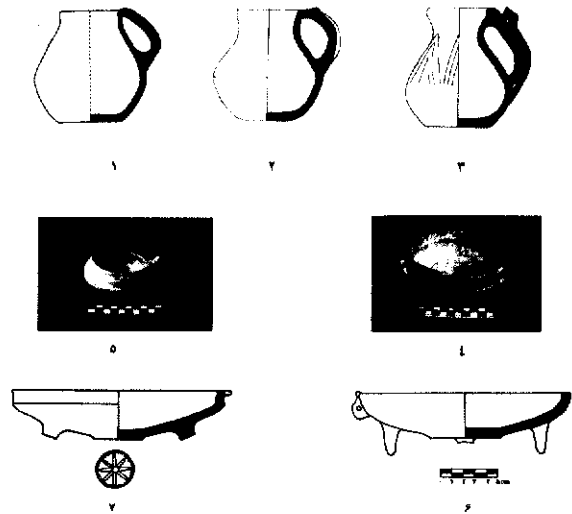
- Medvedskaya, I.N.,
1982 *Iran: Iron Age I*, Oxford.
- Muscarella, O.W.,
1974 "The Iron Age of Dinkha Tepe, Iran", *Metropolitan Museum Journal*, No. 9, pp. 35-90.
- Negahban, E.O.,
1996 *Marlik: the complet Excavation Report*, Philadelphia.
- Thureau-Dangin, F.,
1973 *Une Relation de la Huitieme Campagne de Sargon* (714Av.J.C.), Paris.
- Young, T.C.,
1965 "A Comparative Ceramic Chronology for Western Iran, 1500-500 B.C.", *Iran*, Vol. III, pp. 53-85.
- Young, T.C.,
1985 "Early Iron Age Iran Revised: Preliminary suggestion for the re-analysis of old constructs", Huot, J.L., Calvet, Y., Yon, M. (ed), 1985, pp. 361-379.
- Venden Bergehe, L.,
1964 *La Necropole de Khurvine*, Leiden.



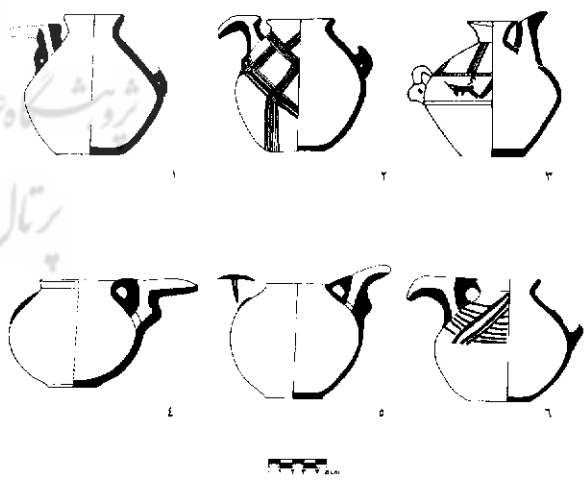
لوح ۱



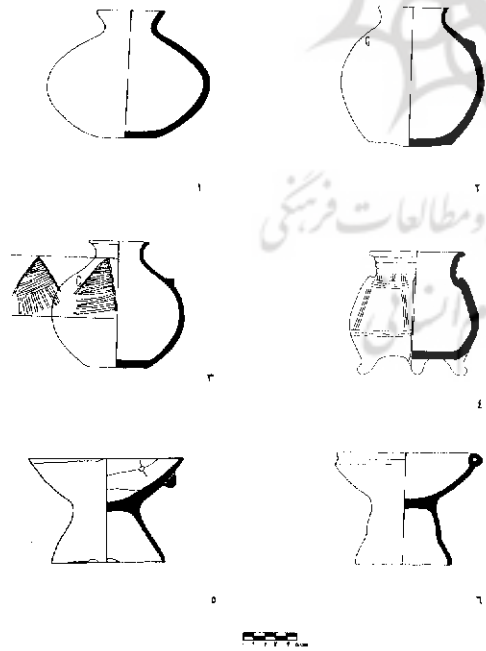
لوح ۲



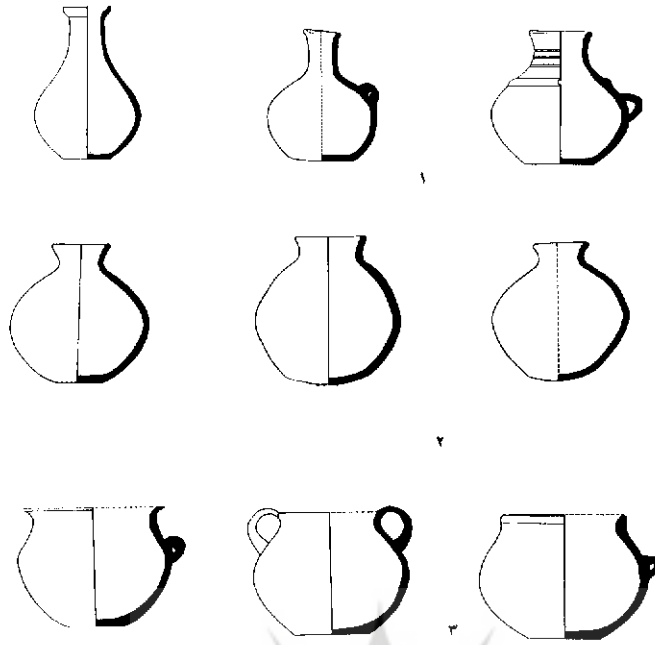
لوح ۲



لوح ۴



لوچ ۵



لوچ ۶

